

تندیس‌های ایزدبانوان باروری ایران

صدرالدین طاهری*

دانش‌جوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمود طاووسی

استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

ایزدبانوان باروری نگاه‌دار پرباری و ناظر بارداری و زایش بسیاری از تمدن‌های چندخدایی اند. فرهنگ‌های ساکن فلات ایران نیز، از دوران نوسنگی تا پایان سلسله‌ی ساسانی، به گونه‌های متفاوت، این ایزدبانوان را ستوده و برای بر سر مهر ماندن‌شان نیایش‌گاه و تندیس ساخته‌اند. پرشماری پیکرک‌های باروری نشان‌دهنده‌ی دیدگاه نیاکان ما به قوانین حاکم بر زندگی و هراس همیشگی آنان از روی‌گردانی طبیعت است. برای آسان‌تر شدن دسته‌بندی، این آثار در هفت دوره‌ی نوسنگی، مس و سنگ، برنز، آهن، هخامنشی، پارتی سلوکی، و ساسانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ هرچند که این تقسیم‌بندی تقریبی است و نمی‌تواند نشان‌دهنده‌ی یکسانی سبک باشد.

واژگان کلیدی

دین؛ اسطوره؛ ایزدبانوان باروری؛ مادرسالاری؛

این مقاله از رساله‌ی دکترای نویسنده با عنوان «پی‌جویی ریشه‌ی هنر رسمی هخامنشیان در فرهنگ‌های شکل‌دهنده‌ی امپراتوری» برداشت شده‌است.

پیکرک‌های باروری از جمله‌ی آثاری است که بسیاری از فرهنگ‌های پیشاتاریخی و تاریخی ساخته و به جای نهاده‌اند. توین‌بی^۱ (۱۳۶۲) می‌گوید: «مادر کهن‌ترین سوژه‌ی هنری انسان است» (ص ۳۵۰). برخی از این پیکرک‌ها را می‌توان، به سبب تأثیرگذاری و بیان‌گری ژرف، بخشی از آثار درخشان تاریخ هنر به شمار آورد؛ هرچند به‌سختی می‌توان باور کرد آن‌ها به عنوان اشیایی زینتی ساخته‌شده باشند.

در این تندیس‌ها، معمولاً، زیبایی و لطف دیده‌نمی‌شود و بسیاری از آن‌ها بدون چهره اند، ولی نشانه‌های زنانه‌ی آن‌ها، به گونه‌ی برجسته، نمایان است (چایلد^۲ ۱۳۴۲). بیش‌تر این پیکرک‌ها حالت نشسته دارند و گیمبوتا^۳ (۱۹۷۲) بر این باور است این تکیه و پیوستگی به خاک می‌تواند نمایان‌گر کارکرد آن‌ها به عنوان ایزدبانوی زمین باشد. فربھی بیش‌ازاندازه‌ی این تندیس‌ها نیز نشان‌گر تفاوتی است که در دید زیبایی‌شناختی میان ما و نیاکان پیشاتاریخی ما پدید آمده‌است و همان‌گونه که دورانت^۴ (۱۳۳۷) می‌گوید، میان اقوام نخستین ساکن آفریقا فربھی بیش‌ازاندازه مهم‌ترین دلیل زیبا دانستن یک بانو است.

مردمان پیش از تاریخ، با هدف نزدیکی به سرچشمه‌های نیروی باروری (که به شکل یک ایزدبانو پنداشته می‌شد) یا برای به دست آوردن خوش‌نودی و هم‌کاری آنان، تندیس‌هایی از ایزدبانوان را می‌ساختند و به نیایش‌گاه‌ها هدیه می‌دادند یا در کنار مردگان‌شان به خاک می‌سپردند. در دوران تاریخی نیز این رسم، با وجود جای‌گزینی ادیان و آداب نو، به گونه‌ی آراسته‌تر ادامه یافت. پیکرک‌های باروری را می‌توان نماد ایزدبانوی موردپرستش در منطقه دانست. این ایزدبانو، بیش‌تر، خدای زمین و آب‌ها است، که با عشق، باروری، و پرباری پیوند دارد و ممکن است در آیین‌های باروری زمین، دام و انسان، بلوغ، درمان‌بخشی زنان، نازا، و یاری بانوان به هنگام زایمان نیز از آن استفاده شده‌باشد. فریزر^۵ (۱۳۸۲) می‌گوید:

غرض از این نمایش‌های مقدس، تازه و توانا کردن قوای فرورمده‌ی طبیعت از طریق جادوی هم‌دلانه بود تا درختان بار آورند، خوشه‌های غلات پرده‌اند شوند، و انسان‌ها و حیوانات به تولید مثل بپردازند. (ص ۴۳۷)

برخی از انسان‌شناسان بر آن اند که در دوره‌های کهن، جامعه به دست زنان بوده و مادرتباری^۶ بازمانده‌ی آن دوران، یعنی مادرسالاری^۷ است (آزادگان ۱۳۷۲). سخن گفتن از «زبان مادری» و «مام میهن» نیز، که هنوز در میان ما به جای مانده‌است، نشانه‌هایی از آن

¹ Toynbee, Arnold J.

² Childe, V. Gordon

³ Gimbutas, Marija

⁴ Durant, William James

⁵ Frazer, James George

⁶ Matrilineality

⁷ Matriarchy



دوره به شمار می‌آید. مادرسالاری در میان برخی جوامع بسیار دیرتر پاییده، از جمله تا سده‌ی هشت میلادی در ژاپن (روزن‌برگ^۱ ۱۳۷۸) و تا سده‌ی ۱۹ در میان بومیان استرالیا (ناس^۲ ۱۳۸۲)، و دگرگونی آن، بیش‌تر، به سبب یورش بیابان‌گردان پدرسالار بوده‌است. این دوران گذار را می‌توان با نشستن یک خدای زیننه، به جای یک مادرخدا، در جای‌گاه ریاست خاندان‌های ایزدی مرتبط دانست. جای‌گزینی مردوک^۳ با تیامت^۴ در میان‌رودان، هومبان^۵ با پی‌نی‌کیر^۶ در ایلام، و اورانوس^۷ با گایا^۸ در یونان از این موارد است. گرچه هنوز پژوهشی گسترده برای رد یا پذیرش این فرض در ایران صورت نگرفته، اما شواهدی از مادرسالاری در برخی فرهنگ‌های ایرانی به دست آمده‌است، که از آن میان می‌توان یافتن شماری مهر تجاری در گورهای زنانه‌ی شهر سوخته را نام برد (سجادی و هم‌کاران^۹ ۲۰۰۳). هرودت^{۱۰} ماسازت‌ها^{۱۱} را مادرسالار می‌نامد (نیبرگ^{۱۲} ۱۳۵۹) و به تأثیر این رسم بر اقوام جنوبی‌تر باور دارد. سنگ‌نوشته‌های پیداشده از شوش نیز نشان‌دهنده‌ی حضور زنان در امور تجاری و حقوقی است؛ به گونه‌ی که گاه تمام دارایی فرد به دختر یا همسرش ارث رسیده‌است (کار ۱۳۶۵). در ایلام میانه، مشروعیت سلطنت به وسیله‌ی شاخه‌ی زن ادامه می‌یافت (هیئتس^{۱۳} ۱۳۷۱). جای‌گاه زنان ایلامی در دوره‌ی هخامنشی و ایستادن آنان در کنار مردان، و گاه برتر، به گواهی سنگ‌نوشته‌های پیداشده در پارسه (کخ^{۱۴} ۱۳۷۶)، می‌تواند رشته‌هایی باشد که ما را با دوران مادرسالاری در ایران پیش‌ازتاریخ پیوند دهد.

ایزدبانوان ایرانی

ایزدبانوان ایلامی

ایلامیان چندین ایزدبانو را پرستیده‌اند، که بزرگ‌ترین آن‌ها در هزاره‌ی سوم پم، پی‌نی‌کیر، مادر همه‌ی خدایان است (مجیدزاده ۱۳۷۰). نام او در نخستین سنگ‌نوشته‌ی مرتبط با مذهب

¹ Rosenberg, Donna

² Noss, John Boyer

³ Marduk ایزد باروری و آفرینش

⁴ Tiamat غول آشفته‌گی و ایزدبانوی آبهای آغازین

⁵ Khumban ایزد زمین

⁶ Pinikir ایزدبانوی بزرگ و مادر خدایان

⁷ Uranus (Ouranos / Οὐρανός) ایزد آسمان

⁸ Gaia (Gaea / Γαῖα) ایزدبانوی زمین

⁹ Sajjadi, S. M. S., F. Foruzanfar, R. Shirazi, and S. Baghestani

¹⁰ Herodotus (ca.484–ca.425 BCE)

¹¹ Massagetaeans از اقوام ایرانی‌تبار و تیره‌ی سکایی نیمه‌صحراگرد در آسیای میانه

¹² Nyberg, Henrik Samuel

¹³ Hinz, Walther

¹⁴ Koch, Heidemarie

ایلامیان، پیمان‌نامه‌ی نارام‌سین^۱ شاه-خدای اکد با هیتا^۲ شاه اوان در سده‌ی ۲۲ پ.م، بالای نام همه‌ی خدایان قرار دارد و پرستش‌اش تا پایان دوران ایلامی ادامه یافته‌است. شاهانی بسیار او را ستوده و برای‌اش نیایش‌گاه ساخته‌اند (صرف ۱۳۸۴). ایشنی‌کرب^۳ ایزدبانویی است که پرستش‌گاه او در کنار دروازه‌ی شمال‌غربی چغازنبیل بوده‌است. او و ایزدبانوی لکمر^۴ ایشوشیناک^۵ را، به عنوان داور مردگان، یاری می‌کنند (مجیدزاده ۱۳۷۰). شیاشوم^۶ نگاه‌بان کاخ خدایان است که شاه اونتاش‌گال^۷ پرستش‌گاهی به او پیش‌کش می‌کند (گیرش‌من^۸ ۱۳۶۴). منرت^۹ همسر خدای شیموت^{۱۰} است که پرستش‌گاه او در هوشن (ده‌نوی کنونی) قرار داشت (صرف ۱۳۸۴). نین‌خورساگ^{۱۱} ایزدبانوی کوهستان بوده‌است که پرستش‌گاه او در شوش در کنار معبد ایشوشیناک قرار دارد (همان). ناروتته^{۱۲} (ناروندی) ایزدبانویی است که هیتا در سنگ‌نوشته‌اش شش بار از او نام می‌برد (همان). او ایزدبانویی بسیار دوست‌داشتنی بوده‌است، به گونه‌یی که گاه زنان نام «ناروندی‌اومی» (ناروندی مادر من است) را بر خود می‌نهادند (شی و لوگرن^{۱۳} ۱۹۱۳). در ایلام میانه، کیریرشا^{۱۴} ایزدبانویی بزرگ است که، هم‌زمان، همسر هومبان و ایشوشیناک شناخته‌می‌شود. او نخست تنها در جنوب ایلام در لیان (بوشهر) پرستیده‌می‌شد (هینس ۱۳۷۱). نارسینا^{۱۵} خواهر کیریرشا است که شیلهاک-ایشوشیناک^{۱۶} برای او نیایش‌گاهی در شوش ساخت (صرف ۱۳۸۴). بیش‌تر ایزدبانوان میان‌رودانی، چون اینانا^{۱۷}، ایشتار^{۱۸}، نین‌گال^{۱۹}، و نین‌کاراگ^{۲۰} هم سده‌ها در ایلام پرستش شده‌اند (همان).

ایزدبانوان اوستایی

در اساطیر اوستایی نیز از چند ایزدبانو نام برده‌می‌شود، که در میان آنان می‌توان اشی و آنهیتا را با پربری و باروری مرتبط دانست. اشی یا اشی‌وهی (اشی خوب)، که یشت ۱۷

¹ Naram-Suen (Narām-Sîn), King of Akkad (ca.2254–ca.2218 BCE)

² Hita (Khita), King of Awan (contemporary of Naram-Suen, King of Akkad)

³ Išnikarab

⁴ Lagamal (Lakamar)

⁵ Inšušinak

⁶ Šiašum

⁷ Untaš Gal (ca.1275–ca.1240 BCE)

⁸ Ghirshman, Roman

⁹ Manzat

¹⁰ Šinmut

¹¹ Ninhursag

¹² Narunte (Narundi, Narude)

¹³ Scheil, Jean-Vincent, and Léon Legrain

¹⁴ Kiririša (Kiriša)

¹⁵ Narsina

¹⁶ Šilhak-Inšušinak (ca.1150–ca.1120 BCE)

¹⁷ Inanna

¹⁸ Ištar

¹⁹ Ninegal

²⁰ Nin-karrak (Nintinugga)



به او نیاز شده، خدای مادینه‌ی باروری است، از جوانان آماده‌ی زناشویی نگاه‌داری می‌کند، در خانه برکت پدید می‌آورد، بخت و توان‌گری می‌دهد، به زنان زیبایی می‌بخشد، و جانوران به هنگام جفت‌یابی در پناه وی به سر می‌برند. به گفته‌ی بیرونی (بی‌تا)، اشی‌وهی در سال‌نامه‌ی خوارزمی به صورت ارجوخی آمده‌است و به نظر می‌رسد خوارزمیان او را بدین نام می‌پرستیده‌اند. ایزدبانویی دیگر، به نام پارندی، نیز در کنار او است، که در یسن هپتهاتی از او یاد می‌شود. در باره‌ی اشی در بند ۱۰۷ یشت ۱۳ چون این آمده‌است:

اشی خوب، زیبا، شکوه‌مند، به پیکر یک دوشیزه‌ی زیبا، بالابند، راست‌روییده، از تخمه‌ی آسمانی، از زایش والا. (نیبرگ ۱۳۵۹:۲۹۴)

یشت پنج، آبان‌یشت، به اردوی‌سورا آناهیتا، که تورانیان در جنگ‌های خود، بیش از همه، به او روی می‌آوردند، پیش‌کش شد. برای او در کنار رودخانه‌ها قربانی می‌شد و به نظر می‌رسد که در آغاز، خدای رودخانه‌ی سیحون بوده‌است (همان). اشی در یشت ۱۷، بندهای ۵۵ و ۵۶، از رفتار توهین‌آمیز تورانیان گله دارد؛ زیرا در رقابتی که میان او و ایزدبانوی باروری باستانی آنان آناهیتا پدید آمد، آناهیتا، به سبب استواری سنت‌های پرستش پیروز شد؛ همان گونه در زمان ساسانیان نیز آناهیتا سرشناس‌ترین ایزد ایرانی بود، اما اشی را بیرون از محیط روحانی به‌دشواری می‌شناختند (همان). اردوی‌سورا آناهیتا (آب‌های نیرومند بی‌آلایش) سرچشمه‌ی همه‌ی آب‌های روی زمین و خاست‌گاه همه‌ی باروری‌ها است، نطفه‌ی همه‌ی نران و زهدان و شیر همه‌ی مادگان را پاک می‌کند، در جای‌گاه آسمانی خود قرار دارد، اما سرچشمه‌ی دریای گیهانی است، نیرومند و درخشان، بلندبالا و زیبا، پاک و آزاده است، درخور آزادگی خویش تاج زرین هشت‌پر هزارستاره بر سر دارد، و جامه‌ی زرین بر تن و گردن‌بندی زرین بر گردن زیبای خود دارد. این توصیف‌های روشن نشان می‌دهد که از زمان‌های کهن، تندیس‌های این ایزدبانو در آیین‌های پرستش او وجود داشته‌است. بروسوس^۱ می‌گوید اردشیر دوم تندیس‌هایی از او را در شهرهای بابل، دمشق، همدان، سارد، و شوش بر پا کرده‌بود (هینلز^۲ ۱۳۶۸). پلینی^۳ می‌نویسد:

در نیایش‌گاه آناهیتای شوش، تندیس سنگین او از طلا قرار داشت، که در جنگ آنتوان و فرهاد چهارم به غارت رفت. در نیایش‌گاه بلخ نیز تصویر زیبایی از آناهیتا وجود داشت، با تاج زرینی که هشت پرتو و صد ستاره داشت. (رجبی ۱۳۸۲:۳۵۳)

¹ Berossus

² Hinnells, John R.

³ Gaius Plinius Secundus (23–79 CE)

نشانه‌های پرستش *آنهیتا* را می‌توان در همه‌ی دوران‌های تاریخی ایران پی‌گیری کرد. نخستین شاه هخامنشی، که *آنهیتا* را در نوشتارهای خود می‌ستاید، اردشیر دوم است. به نوشته‌ی *پلوتارک*^۱، او *اسپاسیا* را به نیایش‌گاه *آنهیتا* در همدان می‌فرستد. این نیایش‌گاه سرشار از ثروت بود و دوشیزگان خدمت‌کار *آنهیتا* در آن جا می‌بایست تا پایان زندگی خود دوشیزه بمانند. به گزارش *پولی‌بیوس*^۲، هنگامی که *آنتیوخوس*^۳ آن‌جا را چپاول کرد، ۴۰۰۰ تالنت به دست آورد (رجبی ۱۳۸۲). شاهان سلوکی نیز، با این باور که شوهر *آنهیتا* به شمار می‌آیند، در هنگام نیاز، از او جهیزیه می‌خواستند و نیایش‌گاه‌های وی را چپاول می‌کردند. *تیرداد اول* در نیایش‌گاه *آنهیتای* شهر ارشک در شمال خراسان تاج‌گذاری کرد. *آنهیتا* با تاج نام‌دار خود بر سکه‌های ارد *اول* نیز دیده‌می‌شود. *آیلیان*^۴ در سده‌ی دوم میلادی گزارش می‌دهد که در نیایش‌گاه *آنهیتا* در خوزستان، شیرهای اهلی به پیش‌باز نیایش‌گران می‌روند. *بابک*، نیای ساسانیان، تولید نیایش‌گاه *آنهیتا* را در استخر داشت. بر پایه‌ی *تاریخ طبری*، *اردشیر پاپکان*، پس از پیروزی بر *اردوان پنجم*، سر او را در همین نیایش‌گاه می‌آویزد (همان). *نرسی اول*، در سنگ‌نوشته‌ی *پایکولی*، خود را ستایش‌گر *آنهیتا* می‌داند و در نقش‌رستم از او تاج می‌ستاند. *خسرو انوشیروان* نیز در تاق‌بستان مورد پشتیبانی *آنهیتا* است. این ایزدبانو، آخرین بار، در پیکرکنده‌ی *خسرو پرویز* در تاق‌بستان نمایانده‌می‌شود. او در یشت پنج این‌گونه ستایش می‌شود:

کسی که به‌همه‌جاگسترده، درمان‌بخشنده، و دشمن دیوها [....] مقدسی که جان‌افزا است؛ مقدسی که فزاینده‌ی گله و رمه است؛ مقدسی که فزاینده‌ی گیتی است؛ مقدسی که فزاینده‌ی ثروت است؛ مقدسی که فزاینده‌ی مملکت است. (پورداوود ۲۰۳:۱۳۷۴)

نام دیگر او *بغدخت* یا *بیدخت* است (مقدم ۱۳۸۰) و نشانه‌های وی را می‌توان در نام مکان‌هایی چون *بیرجند*، *مدینه‌العدرا*، و *دشت ارژن* باز یافت.

یسن ۵۳ از سرودهای گاهانی در باره‌ی آیین زناشویی است. در این یسن تلاش می‌شود یک خدای مادینه‌ی باروری و زناشویی ویژه به دین زرتشتی راه یابد و او کوچک‌ترین دختر زرتشت، *پُوروجیستا* است؛ بدین ترتیب، پیوند همسری زرتشتی با پشتیبانی یک زن، که جنبه‌ی خدایی یافته‌است، صورت می‌گیرد. این نوآوری شاید به سبب رقابتی

¹ Lucius Mestrius Plutarchus (ca.46–ca.120 CE)

² Polybius (ca.200–ca.118 BCE)

³ Antiochus III the Great (ca.241–187 BCE, ruled 222–187 BCE)

⁴ Claudius Aelianus (Aelian) (ca. 175–ca. 235 CE)



بود که میان دو ایزدبانوی باروری، *آناهیتا*، خدای باستانی تورانیان، و *اشی*، از دین میثره، وجود داشت (نیرگ ۱۳۵۹).

در اساطیر ایرانی از ایزدبانوانی دیگر نیز یاد می‌شود؛ دین (دئنا)، ایزدبانوی وجدان و راه و سفر، خواهر *اشی* است و بر چینود به چشم نیکان می‌آید، *چیستا* ایزدبانوی دانش و فرزاندگی است، *گوش/اورون* ایزدبانوی نگاه‌بان چهارپایان سودمند است، که تخمه‌ی آنان را از ماه می‌گیرد و به زمین می‌فرستد، *دُرُواسپ* ایزدبانوی پشتیبان چهارپایان، به‌ویژه اسبان است، و *اِشتاد*، نماد زنانه‌ی عدالت است، که به همراه *زامیاد* روان مردگان را در ترازو می‌نهند (هینلز ۱۳۶۸).

در میان امشاسپندان نیز دو ایزدبانو وجود دارد؛ *امرداد*، ایزدبانوی گیاهان و بی‌مرگی، که بیدادگران نسبت به گیاهان را از ورود به بهشت باز می‌دارد، و *سپندارمز*، ایزدبانوی زمین و زنان پارسا، که کفران‌کنندگان بر زمین (دزدان، ستم‌کاران، و مرگ‌ارزانان) را گزند می‌رساند (طاووسی ۱۳۶۸). *سپندارمز* را بایست ایزدبانویی بسیار کهن‌تر از *اشو* زردشت دانست. در *گزیده‌های زادسپرم* (راشد محصل ۱۳۶۶) آمده‌است:

چون افراسیاب آب بر ایران بست، *سپندارمز* به پیکر دوشیزه‌یی با جامه‌یی روشن و پرفروغ و کستی‌زرین‌برمیان‌بسته در خانه‌ی منوچهر پدیدار شد. (فرگرد ۴، بند ۳-۹)

در *گات‌ها* ۱۸ بار از *سپندارمز* یاد شده‌است (دوست‌خواه ۱۳۷۴):

آرایش بهشت نکاستنی با *سپندارمز* است. (یسنا‌ی ۲۸، بند ۷)

او سازنده‌ی جانوران است. (یسنا‌ی ۲۸، بند ۱۲)

او گشایش‌بخش هستی است. (یسنا‌ی ۴۶، بند ۱۱)

به کشت‌زاران رامش می‌دهد. (یسنا‌ی ۴۷، بند ۳)

آبادکنندگان زمین با کشت و ورز و با چراگاهان خرم برای چارپایان سودمند مایه‌ی خوش‌نودی *سپندارمز* اند. (یسنا‌ی ۳۹، بند ۹)

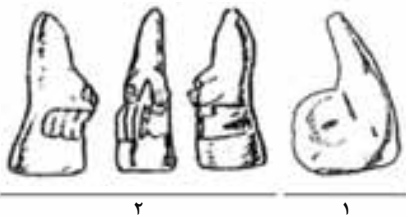
در *آثارالباقیه* (بیرونی بی‌تا) آمده‌است:

سپندارمز بر زنان درست‌کار، عفیف، و خیرخواه موکل است. در گذشته، این ماه و این روز عید زنان بوده و مردان به زنان خود هدیه می‌داده‌اند. (ص ۳۲۹)

او با نام *سپندارمیت*، در زبان ارمنی، خدای‌بانوی باروری است (رجبی ۱۳۸۲).

نگاره‌ها^۱

هیچ یک از پیکره‌هایی را که در پی می‌آیند، به‌جز چند تندیس ایلامی، نمی‌توان، به‌یقین، تصویرگر یکی از ایزدبانوان یادشده دانست؛ با این حال، بی‌گمان آغاز پرستش آنان به هنگامه‌ی گردآمدن ادبیات اوستایی نیست و باید آن‌ها را ایزدبانوان بومی فلات ایران دانست، که در دین زرتشت پذیرفته شده و به دوران تاریخی گام نهاده‌اند.

نوسنگی^۲ (۱۰۰۰-۵۵۰۰ پ.م)

گنج‌دره- این تپه، که در ۱۰ کیلومتری شهر هرسین قرار دارد، نخستین بار، در ۱۳۴۴ و به وسیله‌ی اسمیت^۳ مورد کاوش قرار گرفت. وی هم‌ه‌ی ۱۱۳ پیکره‌ی گلی را که از لایه‌ی Dی گنج‌دره به دست آمده‌اند زانه می‌داند (۱ و ۲). پیشینه‌ی این آثار نیمه‌ی نخست هزاره‌ی هشتم پ.م گمانه زده‌شده‌است (اسمیت ۱۹۹۰). بیش‌تر این پیکره‌ها، که بر اثر آتش‌سوزی اتفاقی، لایه‌ی D سفالین شده، بدون سر اند. سرهای برجای‌مانده مانند سر پرنده است و دماغ‌ها مانند منقار کشیده شده‌اند (ایگون^۴ ۱۹۹۲).

سرآب- این تپه، که در هفت کیلومتری شمال‌شرق کرمان‌شاه قرار دارد، در سال ۱۳۳۸ و به وسیله‌ی بریدوود^۵ شناسایی شد. او برای آثار این تپه، تاریخ ۷۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پ.م را پیش‌نهاد می‌کند (بریدوود ۱۹۶۰). در میان ۷۹۷ پیکرک شناخته‌شده‌ی سرآب، که



مورالس^۶ بررسی کرده‌است، ۶۵۰ پیکرک انسانی وجود دارد، که ۶۳۲ عدد از آن‌ها مادینه‌اند (۳) (مورالس ۱۹۹۰) و مشهورترین تندیس باروری ایران، با نام «ونوس سرآب»، در میان آن‌ها است (۴).

زاغه- گروه و مؤسسه‌ی باستان‌شناسی دانشگاه تهران بررسی و کاوش‌های دشت‌قزوین را از سال ۱۳۴۹، به سرپرستی نگهبان^۷ آغاز کرد. در سال ۱۳۵۷، از یک بنای منقوش در

^۱ تلاش کردیم از تندیس‌هایی که در موزه‌های ایران نگاهداری می‌شود عکس بگیریم و هر جا که دست‌یابی بی‌واسطه به اثر ممکن نبود، از نگاره‌های پیشین یا چاپ‌شده بهره گرفتیم. در این جا، از هم‌کاری موزه‌داران گرامی موزه‌ی ملی ایران، خانم‌ها میری، زهتاب، قلیچ‌خانی، عاطفی، جعفرمحمدی، عابد کهنمویی، و شیرخلایی، و آقای میرزایی سیاست‌گرای می‌کنیم.

^۲ Neolithic

^۳ Smith, Philip E. L.

^۴ Eygun, Guilmine

^۵ Braidwood, Robert J.

^۶ Morales, Vivian Broman

^۷ Negahban, Ezzat O.



زاغه ۲۹ عدد پیکرک به دست آمد، که برخی به شکل یک زن نشسته‌ی باردار (۵-۷) و برخی به گونه‌ی مادر با کودکی در آغوش (۸) است. نگهبان این پیکرک‌ها را بررسی کرده و برای آن‌ها تاریخ سال‌های پایانی هزاره‌ی هفتم تا سال‌های نخستین هزاره‌ی ششم پم را پیشنهاد داده‌است (نگهبان ۱۹۷۹).



حاجی فیروز- این تپه، که در شرق دره‌ی سلدوز و دوکیلومتری تپه‌ی حسن‌لو قرار دارد، در سال ۱۳۱۵ و به وسیله‌ی استاین^۱ شناسایی شد. از طولانی‌ترین فصل کاوش این تپه، در سال ۱۳۴۷ و به سرپرستی دای‌سون^۲ و وویت^۳، شماری پیکرک انسانی به شکل میله‌های کوچک به دست آمد (۹)، که می‌توان آن‌ها را به میانه‌ی هزاره‌ی ششم پم مربوط دانست (وویت ۱۹۸۳). ویژگی این پیکرک‌ها اثر فشار ناخن بر بدن و روی دامن آن‌ها است.



مس و سنگ^۴ (۳۰۰۰-۵۵۰۰ پم)

چغامیش- این تپه، که در جنوب دزفول قرار دارد، از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ و به وسیله‌ی دلوگاز و کنتور^۵ مورد کاوش قرار گرفت. در این محوطه، که به مدت ۴۰۰۰ سال، بدون گسستگی، مسکونی بوده، دو دوره‌ی ساخت پیکرک‌های باروری، با فاصله‌ی دوهزار سال، شناسایی شده‌است. از نیمه‌ی دوم هزاره‌ی ششم پم، شماری پیکره‌ی گلی و



سنگی زنانه در این تپه یافت شده‌است که نشسته، فربه، و شیوه‌مند اند (۱۵-۱۰) (دلوگاز و کنتور ۱۹۷۵). از نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم پم نیز شماری پیکره‌ی زنانه‌ی

¹ Stein, Marc Aurel

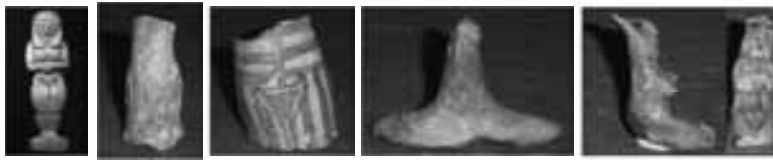
² Dyson, Robert H.

³ Voigt, Mary M.

⁴ Chalcolithic

⁵ Delougaz, Pinhas P., and Helene J. Kantor

منقوش به دست آمده که شکسته اند. کهن‌ترین پیکرک زنانه‌ی فلات ایران، که بر روی یک پایه ایستاده و از جنس استخوان است، به همین دوره تعلق دارد (۱۶) (همان).



۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲

جعفرآباد - این تپه، که در هفت کیلومتری شوش قرار دارد، نخستین بار، در سال ۱۲۸۲ و به وسیله‌ی گروهی فرانسوی در شوش بررسی شد. با کاوش‌هایی که *دولفوس*^۱، از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ و در جعفرآباد، انجام داد شماری پیکره‌ی انسانی هم به دست آمد، که



۱۸ ۱۷

چهار عدد از آن‌ها زنانه معرفی شده‌اند (۱۷) و (۱۸). بالاتنه‌ی این تندیس‌ها شکسته و با تزئین‌های موجی موازی نقش‌دار شده‌است. پیشینه‌ی این آثار نیمه‌ی دوم هزاره‌ی ششم پم گمانه زده شده‌است (دولفوس ۱۹۷۴).

سنگ چخماق - این تپه، که در هشت کیلومتری شمال شاه‌رود قرار دارد، در سال ۱۳۴۸ و به وسیله‌ی مسودا^۲ شناسایی شد و از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ مورد کاوش قرار گرفت. او برای این محوطه تاریخ نیمه‌ی دوم هزاره‌ی ششم پم را پیش‌نهاد کرد (مسودا ۱۹۷۴).



۲۱ ۲۰ ۱۹

پیکره‌های گلی یافت‌شده از این تپه شانه، سر، و گردنی کشیده دارند و بسیار ساده اند (۱۹-۲۱).



۲۲

ماهی‌دشت - این منطقه، که در غرب استان کرمان‌شاه قرار دارد، در سال ۱۳۵۴ و به وسیله‌ی لوین^۳، از موزه‌ی سلطنتی اونتاریو^۴، بررسی، و تاریخ نیمه‌ی دوم هزاره‌ی ششم پم برای آن پیش‌نهاد شد (لوین و مک‌دانلد^۵ ۱۹۷۷). پیکرک‌های این منطقه مانند تندیس‌های همین دوره در سنگ چخماق است (۲۲).

¹ Dollfus, Genevieve

² Masuda, Sei-ichi

³ Levine, Louis D.

⁴ Royal Ontario Museum

⁵ Levine, Louis D., and Mary M. A. McDonald



۲۳

تپه یحیا- این تپه، که در جنوب استان کرمان قرار دارد، در سال ۱۳۴۶ و به وسیله‌ی لمبرگ-کارلوفسکی^۱ کاوش شد. یک تندیس ایستاده‌ی ۲۸ سانتی‌متری زنانه، از جنس سنگ صابونی، مهم‌ترین اثری است که از این تپه به دست آمده (۲۳) و پیشینه‌ی آن میان ۵۵۰۰ تا ۴۵۰۰ پم گمانه زده شده است (لمبرگ-کارلوفسکی ۱۹۶۹).

تل باکون- این تپه، که در دو کیلومتری جنوب پارسه قرار دارد، نخست، در سال ۱۳۰۷ به وسیله‌ی هرتسفلد^۲، و سپس در سال ۱۳۱۱ به وسیله‌ی لانگس‌دورف و مک‌کان^۳



۲۸-۲۴

کاوش و تاریخ نیمه‌ی اول هزاره‌ی پنجم پم برای آن پیش‌نهاد شد (ملک‌شهمیرزادی ۱۳۸۲). شمار زیادی پیکره‌های گلی زنانه از تپه‌ی A باکون به دست آمده است، که با رنگ سیاه مایل به قهوه‌یی رنگ‌آمیزی شده‌اند (۲۴-۴۳) (لانگس‌دورف و مک‌کان ۱۹۴۲).



۴۳-۲۵



۳۴-۲۹

چشمه‌علی- چشمه‌علی شهر ری در سال ۱۳۱۳ و به وسیله‌ی اشمیت^۴ کاوش شد. نمونه‌ی پیکره سفالی زنانه‌ی به دست آمده از این محوطه پوشش گلی قهوه‌یی روشن دارد و با دایره‌های تیره زینت شده است (۴۴). پیشینه‌ی این اثر، که بالاتنه و پاهای آن شکسته شده، ۳۸۰۰ تا ۳۳۰۰ پم گمانه زده شده است (موزه‌ی ایران باستان ۱۳۸۲).



۴۴

شوش- بیش‌ترین شمار پیکره‌های زنانه‌ی ایران در محوطه‌های ایلامی یافت شده و از میانه‌ی سده‌ی ۱۹ میلادی به وسیله‌ی باستان‌شناسان فرانسوی مورد کاوش قرار گرفته است. کهن‌ترین این آثار متعلق به دژ (آکروپول^۵) شوش، و پیشینه‌ی آن‌ها نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم پم گمانه زده شده است (آمی^۶ ۱۹۸۰). این پیکره‌ها را می‌توان به دو گونه‌ی زنان باردار نشسته، که دست‌شان را چون نیایش‌گری به هم گره زده‌اند (۴۵-۴۷)،

¹ Lamberg-Karlovsky, Clifford C.

² Herzfeld, Ernst

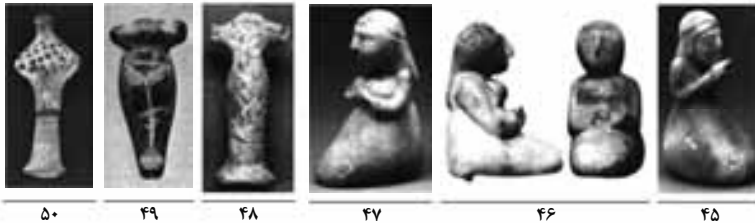
³ Langsdorff, Alexander, and Donald. E. McCown

⁴ Schmidt, Erich Friedrich

⁵ Acropolis

⁶ Amiet, Pierre

و پیکره‌های شیوه‌مند ایستاده (۴۸ و ۴۹) تقسیم کرد. یک نمونه از این آثار با خطی رنگی بر روی کمر و دایره‌هایی بر سینه زینت شده‌است (۵۰).



۵۱

زاغه- از زاغه پیکره‌یی از خاک سرخ با نقوش سوزنی (۵۱) به دست آمده، که برای آن تاریخ ۳۱۰۰ تا ۲۹۰۰ پم پیش‌نهاد شده‌است (نمایش‌گاه هنر جمهوری فدرال آلمان^۱ ۲۰۰۱).

برنز^۲ (۳۰۰۰-۱۳۰۰ پم)

شهرسوخته- این تپه، که نزدیک زابل قرار دارد، نخست، به وسیله‌ی توزی^۳ و گروه ایتالیایی مورد کاوش قرار گرفت. از شهرسوخته‌ی I سردیسی زنانه به دست آمده، که تاریخ ۳۱۰۰ تا ۲۸۰۰ پم برای آن پیش‌نهاد شده‌است (۵۲) (توزی ۱۹۸۳). از شهرسوخته‌ی II



۵۲

شمار بیش‌تری پیکرک‌های زنانه یافت شده، که پیشینه‌ی آن‌ها ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پم گمانه زده‌شده‌است (همان). بیش‌تر این پیکرک‌ها به دو گونه اند؛ نشسته و شیوه‌مند با شکم برآمده (۵۳ و ۵۴)، و



۵۶

۵۵

۵۴

۵۳

نیم‌تنه با دست‌هایی بر روی شکم (۵۵ و ۵۶). دو نمونه‌ی برجسته‌ی دیگر، یعنی پیکره‌ی گلی ایستاده، با سه ردیف پولک زینتی بر سینه (۵۷)، و یک تندیس برنزی ۲۹ سانتی‌متری، که ظرفی را بر سر خود نگاه‌داشته‌است (۵۸)، نیز به همین دوره تعلق دارند (سیدسجادی ۱۳۷۴).



۵۸

۵۷

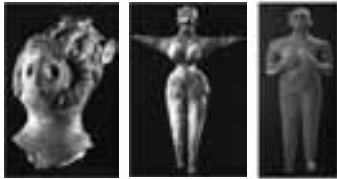
^۱ Kunst- und ausstellungshalle der bundesrepublik deutschland

^۲ Bronze Age

^۳ Tosi, Maurizio



تورنگ - این تپه، که در ۲۰ کیلومتری شمال شرق گرگان قرار دارد، نخست، در ۱۳۱۰ و به وسیله‌ی *وولسین*^۱ کاوش شد. تندیس‌های زنانه‌ی تورنگ به میانه‌ی هزاره‌ی سوم پم تعلق دارد (دشایس^۲ ۱۹۶۷) و یک نمونه از آن‌ها تندیس‌ی از سفال سرخ‌رنگ است، که سوراخ‌هایی به جای چشم دارد و پستان‌ها را با دو دست گرفته‌است (۵۹). پیکره‌ی دیگر،



۶۱

۶۰

۵۹

که از سفال خاکستری است، دست‌ها را به دو سو باز کرده و گردن، پیشانی، و مچ‌هایش با رشته‌هایی زینت یافته‌است (۶۰). آرایش ویژه‌ی گیسوان این بانو چشم‌گیر است و نمونه‌ی آن را می‌توان در یک سردیس دیگر از تورنگ (۶۱) دید.

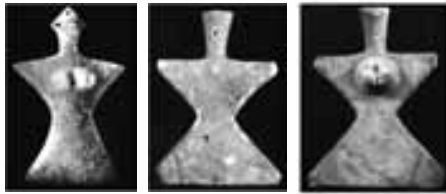
حصار - این تپه، که در کنار شهر دامغان قرار دارد، نخست، در سال ۱۳۰۸ و به وسیله‌ی *اریک اشمیت* کاوش شد. از حصار I (۳۵۰۰-۳۲۰۰ پم) تندیس زنی ایستاده، از



۶۳

۶۲

نقره، به دست آمده‌است، که دو پرنده بر شانه‌های او نشسته‌اند (۶۲) (موزه‌ی ایران باستان ۱۳۸۶) و از حصار IIIA (حدود ۲۴۰۰ پم) نیز طرح‌واره‌ی از یک پیکره‌ی زنانه، ساخته‌شده از خاک سرخ، یافت شده‌است (۶۳) (موزه‌ی آلمانی معدن‌کاوی بوخوم^۳ ۲۰۰۴). از حصار IIIC (۲۰۰۰-۱۷۰۰ پم) شماری پیکره‌ی زنانه به دست



۶۶

۶۵

۶۴

آمده‌است، که طرح‌واره‌ی از دو مثلث به نظر می‌آیند (۶۴ و ۶۵) (اشمیت ۱۹۳۳). یکی از این آثار سوراخی روی سر و دو سوراخ به جای گوش‌ها دارد، که حلقه‌هایی از میان‌شان می‌گذرد (۶۶).



۶۷

شهاداد - کاوش‌های این محوطه، که در حاشیه‌ی غربی دشت لوت قرار دارد، در سال ۱۳۴۷ و به سرپرستی *حاکمی*^۴ آغاز شد. از این منطقه، یک نیم‌تنه‌ی بزرگ گلی از بانویی با چشم‌های بسته و دست‌هایی روی شکم‌نهاد، متعلق به ۲۲۰۰ تا ۱۹۰۰ پم، (۶۷) به دست آمده‌است (حاکمی ۱۹۹۷).

^۱ Wulsin, Janet Elliott

^۲ Deshayes, J.

^۳ Deutschen Bergbau-Museums Bochum

^۴ Hakemi, Ali



۶۸

گیان- این تپه‌ی نزدیک نهاوند را گروهی به سرپرستی کنتنو و گیرشمن^۱، در ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱، کاوش کرد. پیکره‌های زنانه‌ی گیان III (۲۵۰۰-۱۸۰۰ پم) دست‌های خود را روی شکم جمع کرده‌اند و سری بزرگ دارند (۶۸) (کنتنو و گیرشمن ۱۹۳۵).



۷۰



۶۹

ملیان- تل ملیان، در ۳۶ کیلومتری شمال شیراز، به وسیله‌ی سامنر^۲ و در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶ کاوش شد (سامنر ۱۹۷۴). پیشینه‌ی پیکره‌های زنانه‌ی ملیان ۲۲۰۰ تا ۱۶۰۰ پم گمانه زده شده‌است (۶۹-۷۰). این تندیس‌ها با آثار رایج شوش در همین دوره همانند است.

شوش و هفت‌تپه- دومورگان^۳ پیکره‌ی سنگ‌آهکی ناروتته، ایزدبانوی پیروزی ایلامی، را که /یشپوم^۴، پادشاه اوان، در ۲۲۵۰ پم، به نیایش‌گاه این ایزدبانو پیشکش کرده‌بود، در جنوب نیایش‌گاه نین‌خورساگ در دژ (آکروپول) شوش یافت (۷۱). این پیکره، که احتمالاً یک ظرف مقدس و یک شاخه‌ی نخل در دست دارد (آمیة ۱۳۴۹)، به شیوه‌ی سومریان،



۷۳

۷۲

۷۱

لباس بلند پرچین (کاناکه) پوشیده و بر تختی نشسته‌است که شش شیر آن را زینت می‌بخشد. از دوره‌ی اوان نیز شماری پیکرک ساده‌ی گلی از زنان فربه (۷۲ و ۷۳) به دست آمده‌است، که پیش‌آهنگ فراگیر شدن این گونه تندیس‌ها در دوران ایلام میانه‌اند.

در دوره‌ی شاهان شیماشکی^۵ (۲۱۰۰-۱۹۲۸ پم) پیکره‌ها پوزینت‌تر اند. تندیس‌ی از این دوره یافت شده که با حمایلی بر دوش و خلخال‌هایی در پا، بر پایه‌ی ایستاده و گیسوان بلندش به زیبایی آرایش یافته‌است (۷۴) (اسپایکت^۶ ۱۹۹۲). پیکرک‌های مادر در حال شیر



۷۷

۷۶

۷۵

۷۴

دادن به کودک نیز در دوران شیماشکی ساخته شده‌اند (۷۵ و ۷۶)؛ هرچند که در دوره‌ی شاهان سوکل‌مخ (اپرتی)^۷ (۱۹۷۰-۱۵۰۰ پم) نیز دیده‌می‌شوند (۷۷). در برخی

¹ Contenau, George, and Roman Ghirshman

² Sumner, William

³ De Morgan, Jean-Jacques

⁴ Eshpum, King of Susa from the Awan Dynasty (contemporary of Naram-Suen, King of Akkad)

⁵ Simashki dynasty (ca.2100-ca.1928 BCE)

⁶ Spycket, Agnès

⁷ Sukkalmah (Epartid) dynasty (ca.1970-ca.1500 BCE)



نمونه‌ها، مادر کودکی بزرگ‌تر را در آغوش گرفته‌است (۷۸-۸۰) (همان). تندیس‌های /یزیس^۱، در حال شیر دادن هوروس^۲، در همین دوره و در مصر ساخته‌می‌شد. در هند نیز پیکره‌ها و تصاویری از پارواتی^۳، در حال شیر دادن به گانشا^۴، دیده‌می‌شود.

دوران ایلام میانه (۱۴۵۰-۱۱۰۰ پم) را می‌توان هنگامه‌ی رونق ساخت پیکرک‌های باروری دانست. چندین‌هزار تندیس زنانه از این دوره در موزه‌های ملی ایران، شوش،

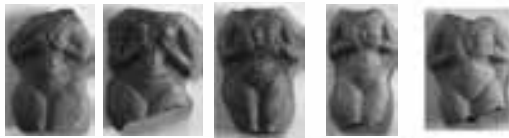


۸۰

۷۹

۷۸

هفت‌تپه، و لوور^۵ نگاه‌داری می‌شود، که به‌جز شماری اندک، سر و پاهای بقیه شکسته است (۸۱-۹۵). پیکرک‌ها دارای پاهایی تازانولاغر و ران‌هایی فربه اند و تقریباً همه‌ی آن‌ها پستان‌ها را در دست گرفته‌اند، که ویژگی آشکار پیکرک‌های باروری در میان همه‌ی



۸۵

۸۴

۸۳

۸۲

۸۱

فرهنگ‌ها را نشان می‌دهد. بر روی کمر برخی از تندیس‌ها کمربندی با خطوط نقطه‌چین یا جناقی کنده‌کاری شده و گردن‌بندهایی با رشته‌های متفاوت در گردن آن‌ها است. برخی دست‌بند، خلخال، و پیشانی‌بند دارند و گیسوان‌شان بر بالای سر جمع شده‌است. این تندیس‌ها برهنه اما پرآذین اند. یافتن چندین قالب برای ساخت این پیکره‌ها در شوش (۹۶) نشان می‌دهد که آن‌ها را با پهن کردن



۹۰

۸۹

۸۸

۸۷

۸۶



۹۵

۹۴

۹۳

۹۲

۹۱



۹۶

مشتی گل و فشار انگشت در داخل این قالب‌ها ساخته‌اند. ناهمواری‌های جای انگشتان در پشت بسیاری از این تندیس‌ها دیده‌می‌شود.

¹ Isis

² Horus, son of Osiris and Isis

³ Parvati

⁴ Ganesha, son of Shiva and Parvati

⁵ Musée du Louvre

نمونه‌ی پیکره‌های ایلام میانه‌ی شوش، که به وسیله‌ی گیرش‌من یافت شده، از هفت‌تپه (نگهبان ۱۹۹۱)، ملیان (کارتر^۱ ۱۹۹۶)، و تل رشتی (سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۶)، در جنوب مرودشت، نیز به دست آمده‌است. گیرش‌من (۱۹۶۸) این پیکره‌ها را بت‌واره‌هایی می‌داند که به یاد *مانزات*، ایزدبانوی باروری، ساخته‌می‌شدند و زنان در طول دوره‌ی بارداری، برای پاس‌داری از جنین، همراه خود داشتند. او دلیل شکستگی پیکره‌ها را دور انداخته شدن، پس



۹۷

از به دنیا آمدن کودک می‌پنداشت، اما یک‌سان شکسته شدن نزدیک به ۲۰۰۰ عدد از پیکرک‌های موجود در گنجینه‌ی موزه‌ی ملی ایران را نمی‌توان اتفاقی و به سبب دور انداخته شدن دانست (۹۷). رسم نگاه‌داشتن پیکرک هنگام بارداری هنوز هم در میان برخی جوامع معمول است؛ مثلاً زنان باردار قبیله‌ی *آشانتی*^۲ غنا عروسک‌هایی چوبی و دخترانه را از پس پاچین خود می‌آویزند (پاریندر^۳ ۱۳۷۴). در باره‌ی پاها (۹۸) و سرها (۹۹-۱۰۶)ی به‌دست‌آمده، نگهبان (۱۳۷۲) بر این باور بود که پیکرک‌ها، احتمالاً، پس از پیش‌کش و نیاز شدن به نیایش‌گاه‌ها یا آرامگاه‌ها



۱۰۶-۹۹

۹۸

شکسته‌می‌شدند و سپس بخشی از آن‌ها بر جای می‌ماند و بخشی دیگر را پیش‌کش‌کننده با خود می‌برد.

نگارنده بر این باور است که سبب شکسته شدن تندیس‌ها این است که آن‌ها در گونه‌یی مراسم آیینی (شاید برای بارور کردن خاک) قربانی شده‌اند. سنگ‌نوشته‌ها می‌گویند در شوش و در پاییز (آغاز سال)، که جشن مادر کبیر با حضور شاه و ملکه و به افتخار *ناروتته* بر پا می‌شده‌است، در مراسمی با نام گوشون، قوچ‌های اخته‌ی پرورش‌یافته در باغ‌های مقدس ایزدبانو *ناروتته* قربانی می‌شده‌اند (شهریاری ۱۳۷۹). قربانی تندیس در میان جوامعی دیگر نیز انجام گرفته‌است؛ مثلاً، در قاره‌ی آمریکا، آثار دینی آیینی با پیکره‌های زنانه‌ی سفالینی آغاز می‌شود که نماد پروری و باروری بوده‌اند. آن‌ها، با شکسته یا دور انداخته شدن، قربانی خدایان می‌شوند تا نظر لطف و مرحمت‌شان را جلب کنند (کندری ۱۳۷۲).

¹ Carter, Elizabeth

² Ashanti (or Asante), Ghana

³ Parrinder, Geoffrey



نمونه‌های لوور (۱۰۷-۱۱۲) و موزهی هفت‌تپه (۱۱۳-۱۱۶) نیز همانند آثار موزهی ملی اند. برخی از پیکرک‌های ایلام میانه‌ی موزهی ملی کاملاً سالم اند (۱۱۷-۱۲۴). نه عدد از آثار گنجینه‌ی میراث فرهنگی استان تهران (۱۲۵-۱۳۳) گرچه از کاوش علمی به



۱۱۲-۱۰۷



۱۱۶-۱۱۳

دست نیامده‌اند، می‌توانند به عنوان مجموعه‌یی برجسته از پیکرک‌های این دوره مورد بررسی قرار گیرند. در میان این تندیس‌ها چند نمونه‌ی متفاوت نیز دیده‌می‌شود؛ بانویی برهنه که بر تختی دراز کشیده‌است (۱۳۴)، چند پیکره که لباس به تن دارند (۱۳۵-۱۳۸)، بانویی که



۱۲۴-۱۱۷

خورشید در کنارش کشیده‌شده‌است (۱۳۹)، و پیکره‌هایی با کفل بسیار پهن، که همانند تندیس‌های *اینانا* در میان‌رودان است (۱۴۰-۱۴۱).



۱۳۳-۱۲۵

شماری سردیس و تندیس زنانه‌ی سنگی و سفالی بسیار آراسته نیز به دست آمده‌است که به نظر می‌رسد متعلق به بانوان درباری باشد و ویژگی‌هایی متفاوت از پیکرک‌های باروری دارند.



۱۴۱

۱۴۰

۱۳۹

۱۳۸

۱۳۷

۱۳۶

۱۳۵

۱۳۴

حاجی‌آباد - حاجی‌آباد فارس در ۲۰۰ کیلومتری جنوب شیراز قرار دارد. گرچه جام نقره‌یی، که در سال ۱۳۴۴ و درون یک خمری سفالی پیدا شد (۱۴۲)، در مقوله‌ی مورد بررسی (پیکره‌ها) نمی‌گنجد، به سبب اهمیت بسیار و پیوندی که با تندیس اهدایی شاه /یشپوم به نیایش‌گاه ناروتته دارد باید یاد شود. بر روی این جام، یک بانو در برابر ایزدبانویی که با شوکت بسیار ایستاده و به دوردست می‌نگرد زانو زده‌است. هیتس، با مقایسه‌ی پوشش و اشیایی که ایزدبانو در دست دارد، او را ناروتته می‌داند. این جام متعلق به دوران شاه پوزور-ینشوشیناک^۱ (۲۱۰۰ پم) است (صراف ۱۳۸۴).



۱۴۲



۱۴۳

تنگ سروک - این محوطه در لیکک، ۵۰ کیلومتری شمال بهبهان، قرار دارد و پیکره‌ی برنزی یک بانوی ایلامی متعلق به دوره‌ی شاهان سوکل‌منخ، با پیشینه‌ی ۱۴۵۰ تا ۱۲۰۰ پم، در آن یافت شده‌است (۱۴۳) (کورتیس^۲ ۲۰۰۰). هیتس آن را ایزدبانوی ماهی معرفی می‌کند (هیتس ۱۳۷۱).

آهن^۳ (۱۳۰۰-۵۵۰ پم)

شاه‌تپه - این تپه‌ی نزدیک گرگان را آرنه^۴ در ۱۳۲۶ کاوش کرده‌است. پیشینه‌ی پیکره‌های دوزنقه‌یی شکل زنانه‌ی شاه‌تپه (۱۴۴-۱۴۵) تا ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ پم گمانه زده شده‌است (آرنه ۱۹۴۵).



۱۴۵



۱۴۴

مارلیک - این تپه، که در رستم‌آباد رودبار قرار دارد، در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ و به سرپرستی نگهبان کاوش شده‌است. برای آثار گورستان مارلیک تاریخ ۱۳۰۰ تا ۱۰۰۰ پم پیش‌نهاد شده‌است (نگهبان ۱۹۹۸). یک پیکره‌ی بسیار خوش‌ساخت طلائی، که بانویی را با گوشواره و گیسوی بافته نشان می‌دهد (۱۴۶) (موزه‌ی آلمانی معدن‌کاوی بوخوم ۲۰۰۴)، پیکره‌ی



۱۴۶

برنزی دارای سر مخروطی کشیده و پاهای کوتاه فربه، که بر روی هر گوش‌اش دو سوراخ دیده می‌شود (۱۴۷). یک نمونه‌ی ساده‌تر (۱۴۸) (نمایش‌گاه هنر جمهوری فدرال آلمان ۲۰۰۱)، و پیکره‌ی سفالی کوزه‌یی، به شکل یک ایزدبانو (۱۴۹)، از جمله‌ی آثار به‌دست‌آمده از این منطقه اند. برجسته‌ترین آثار

^۱ Arne, Ture Johnsson

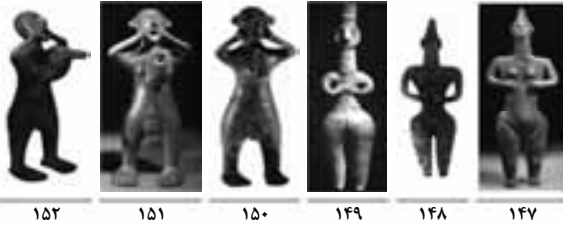
^۲ Curtis, John

^۳ Iron Age

^۴ Arne

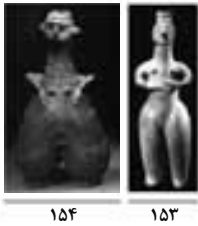


مارلیک، پیکره‌های زنانه‌ی ایستاده‌ی توخالی از سفال سرخ‌رنگ است، که دست‌ها را دو



سوی دهان نهاده و گویا در حال فریاد زدن اند (۱۵۰-۱۵۲). پای تندیس‌های مارلیک، به دلیلی که بر ما پوشیده است، شش انگشت دارد.

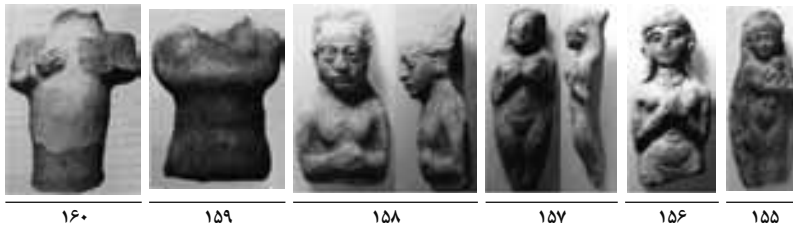
کلورز - گورستان کلورز، در نزدیکی مارلیک، از ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ و به وسیله‌ی حاکمی



کاوش شد. پیکره‌های کلورز (۱۵۳) تقریباً همانند آثار مارلیک و متعلق به سال‌های آغازین هزاره‌ی نخست پم اند (موزه‌ی ایران باستان ۱۳۸۶). یک ظرف سفالین، به شکل بانویی برهنه از عصر آهن (۱۵۴)، در موزه‌ی ملی ایران نگاه‌داری می‌شود، که از کاوش علمی به دست نیامده، اما ممکن است متعلق به گیلان باشد.

شوش - ساخت پیکرک‌های باروری در دوران ایلام نو (۱۱۰۰-۵۳۰ پم) بسیار

کاهش می‌یابد. تندیس‌های این دوره‌ها همانند آثار ایلام میانه (۱۵۵-۱۵۸)، و گاه بسیار ساده‌تر اند (۱۵۹ و ۱۶۰) (مارتینز-سیو^۱ ۲۰۰۲).



حسن‌لو - این تپه، که در دشت سلدوز و هفت‌کیلومتری نقده قرار دارد، در ۱۳۳۹ و به

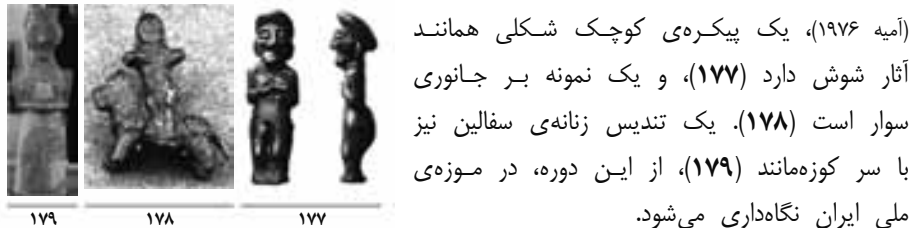
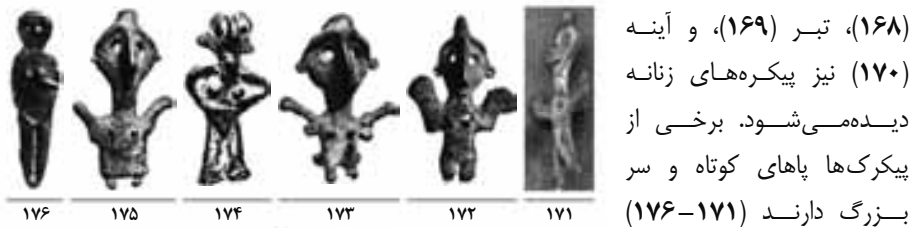
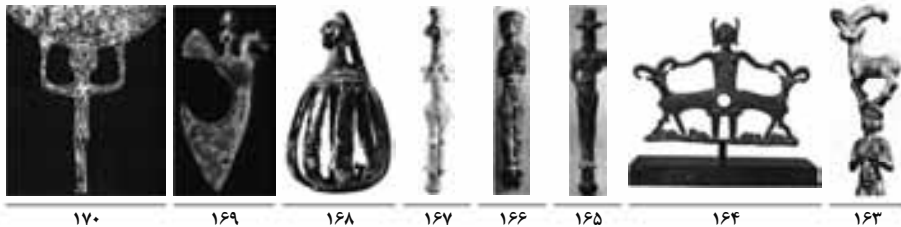
سرپرستی حاکمی و راد، و نیز در ۱۳۳۶ و به وسیله‌ی *دای‌سون* کاوش شد (نگهبان ۱۳۷۶). از این منطقه، پیکره‌ی برنزی بانویی با دست‌های افراشته یافت شده، که متعلق به سال‌های آغازین



هزاره‌ی نخست پم است (۱۶۱). تندیس سفالین بانویی که پنج کودک را در آغوش و بر دوش دارد (۱۶۲) و در موزه‌ی رضا عباسی نگاه‌داری می‌شود از کاوش علمی به دست نیامده و در میان پیکرک‌های باروری ایران نمونه‌ی همانند آن دیده‌نشده‌است، اما به شمال‌غرب ایران و هزاره‌ی نخست پم منسوب است.

¹ Martinez-Seve, Laurianne

لرستان- مفرغ‌های لرستان، که به عصر آهن مربوط اند، نخست، به وسیله‌ی کاوش‌های غیرمجاز به موزه‌ها و مجموعه‌های جهان راه یافت و بعدها باستان‌شناسان و پژوهش‌گران بسیار آن‌ها را بررسی کردند. پیکرک‌های زنانه‌ی لرستان ویژگی‌هایی متفاوت از تندیس‌های فرهنگ‌های دیگر دارند. بر روی سر یکی از نمونه‌ها بزی با شاخ‌های برگشته ایستاده (۱۶۳) و نمونه‌ی دیگری شاخ‌های دو بز را با دست گرفته‌است (۱۶۴). اندام برخی از تندیس‌ها باریک و کشیده است (۱۶۵-۱۶۷) (گودار^۱ ۱۹۳۱). بر روی اشیایی مانند زنگوله



پیراوند- از گورهای این محوطه، که در شمال تاق‌بستان قرار دارد، آثار مفرغین بسیاری به دست آمده، که پیشینه‌ی سده‌های هشت و هفت پم برای آن‌ها پیش‌نهاد شده‌است (نمایش‌گاه هنر جمهوری فدرال آلمان ۲۰۰۱). بر روی سر یک پیکره‌ی زنانه‌ی یافت‌شده از پیراوند کلاهی شاخ‌دار قرار دارد، که احتمالاً نشان‌گر نیروی ایزدی او به شمار می‌آید (۱۸۰).



¹ Godard, André



۱۸۱

خورونین- این محوطه در میانه‌ی راه تهران-قزوین قرار دارد و در سال ۱۳۲۸، حاکی و راد چند گور را در این منطقه کاوش کردند (حاکی ۱۳۲۹). از جمله‌ی آثار به‌دست‌آمده آیینی است که دسته‌ی آن را پیکرکی زنانه تشکیل می‌دهد (۱۸۱). پیشینه‌ی این آثار سده‌ی ۹ تا هفت پم است.



۱۸۳

۱۸۲

تپه‌پری- این تپه در ۲۸ کیلومتری ملایر قرار دارد و حاکی آن را در ۱۳۴۹ بررسی کرده‌است (حاکی ۱۳۴۹). آثار تپه‌پری، احتمالاً، به سال‌های آغازین هزاره‌ی نخست پم تعلق دارد (باباپیری ۱۳۸۴) و دو پیکره‌ی زنانه‌ی یافت‌شده از آن بسیار ساده و به شکل آثار ایلام میانه اند (۱۸۲ و ۱۸۳).



۱۸۵

۱۸۴

زیویه- این تپه در ۴۲ کیلومتری شرق سقز قرار گرفته‌است و پس از آشکار شدن اتفاقی آثار آن، در سال ۱۳۴۹ و به وسیله‌ی *دایسون* کاوش شد. دو نمونه پیکره‌ی زنانه‌ی زیویه، که از عاج ساخته‌شده، متعلق به سال‌های آغازین هزاره‌ی نخست پم است (۱۸۴ و ۱۸۵) (گیرشمن ۱۹۷۹). یکی از این آثار برهنه است و دیگری پیراهنی تا زانو و گیسوانی بلند دارد.

هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ پم)



۱۸۹

۱۸۸

۱۸۷

۱۸۶

شوش- هیچ کدام از پیکره‌های زنانه‌ی انگشت‌شمار این دوره برهنه نیست. چند پیکره از عاج در شوش یافت شده‌است (۱۸۶-۱۸۸)، که به نظر می‌رسد ظروف آرایشی باشند (آمیة ۱۹۷۲) و چند تندیس سفالین شکسته نیز در میان آثار لوور وجود دارد (۱۸۹)، که احتمالاً هخامنشی اند (مارتینز-سیو ۲۰۰۲).



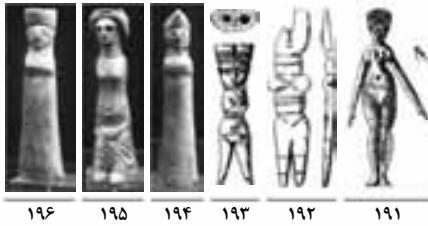
۱۹۰

لرستان- دو عطردان یا سرمه‌دان هخامنشی، منسوب به لرستان (۱۹۰)، به شکل پیکره‌ی زنانه ساخته‌شده‌اند (کولیکان^۱ ۱۹۷۵).

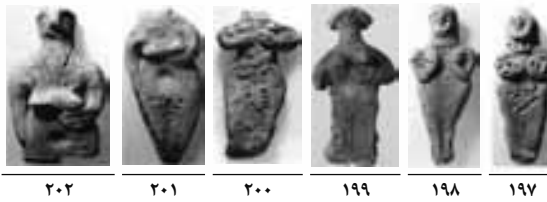
^۱ Culican, William

پارتی سلوکی (۳۳۰ پم-۲۲۶ م)

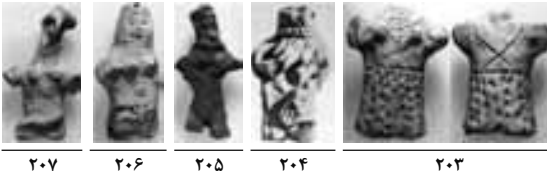
شوش- در این دوره ساخت پیکرک‌های باروری دوباره رونق می‌یابد. از تپه‌ی هوتخشان شوش شماری پیکره‌ی زنانه‌ی استخوانی به دست آمده، که در یکی از نمونه‌ها دو دست،



جداگانه، تراشیده و به پیکره افزوده شده‌است (۱۹۱-۱۹۳) (بوشارلت و هارینک^۱ ۱۹۹۴). سه پیکره‌ی استخوانی موجود در موزه‌ی رضا عباسی، که از کاوش علمی به دست نیامده‌اند (۱۹۴-۱۹۶)، نیز ممکن است متعلق به این



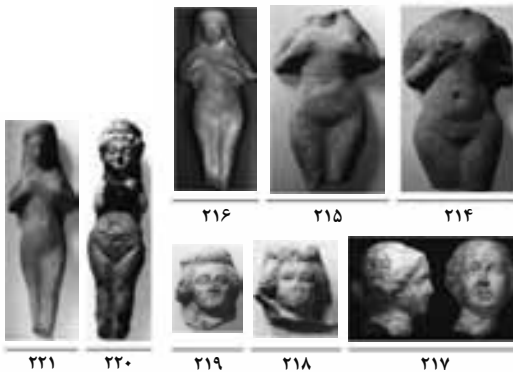
دوره باشد. برخی آثار پارتی شوش به اندازه‌ی خام‌دستانه ساخته شده‌اند که همانند تندیس‌های دوره‌ی اوان به نظر می‌آیند (۱۹۷-۲۱۳) (مارتینز-سیو



۲۰۰۲). شماری پیکره‌های همانند آثار ایلام میانه نیز در این دوره ساخته شده، که ساده‌تر و بدون زینت اند (۲۱۴-۲۲۱)



(همان). یک پیکره‌ی زنانه‌ی سفالین، که در گنجینه‌ی میراث فرهنگی استان تهران نگاهداری



می‌شود و از کاوش علمی به دست نیامده‌است، همانند نیم‌تنه‌ی از لوور، و شاید متعلق به این دوره است (۲۲۲ و ۲۲۳). چند نمونه پیکره‌ی برهنه‌ی لمیده نیز در میان آثار این دوره دیده می‌شود، که همانند تندیس‌های رومی هم‌عصرشان ساخته شده‌اند (۲۲۴ و ۲۲۵) (همان). یکی از پیکره‌ها پیراهنی بلند به تن دارد و لبه‌ی آن

¹ Boucharlat, Rémy, and Ernie Haerincx



راه، با دست، بالا نگاه‌داشته‌است (۲۲۶). چند نمونه هم در کنار قربان‌گاه یا آتش‌دانی ایستاده‌اند که ممکن است نشان‌گر آفرودیت^۱ یا آرتهمیس^۲ باشد (۲۲۷-۲۲۹) (همان). شماری از این آثار،



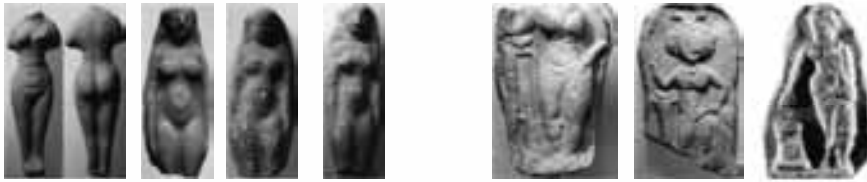
۲۲۶

۲۲۵

۲۲۴

۲۲۳

۲۲۲



۲۲۳

۲۲۲

۲۲۱

۲۲۰

۲۲۹

۲۲۸

۲۲۷



۲۲۹

۲۲۸

۲۲۷

۲۲۶

۲۲۵

۲۲۴



۲۲۲

۲۲۱

۲۲۰

به سبب حالت دست‌ها، با پیکره‌های ایلام میانه متفاوت اند (۲۳۰-۲۳۹). یکی از این بانوان درون هاله‌یی از دایره‌های کوچک قرار دارد (۲۴۰). برخی از آثار این دوره نیز به همراه قالب پیدا شده‌اند (۲۴۱ و ۲۴۲).

سلوکیه - از سلوکیه (تخت‌گاه سلوکیان در میان‌رودان) یک نمونه پیکره‌ی برهنه‌ی درازکشیده، از مرمر سفید، به دست آمده (۲۴۳)، که از نمونه‌های همانند در شوش واقع‌گراتر است (فون در اوستن^۳ ۱۹۵۶). فون در اوستن این تندیس را *آن‌هیتا* معرفی کرده‌است، اما نمی‌توان در این مورد با اطمینان سخن گفت.



۲۴۳

^۱ ایزدبانوی یونانی عشق و زیبایی Aphrodite

^۲ ایزدبانوی یونانی ماه و شکار Artemis

^۳ Von der Osten, Hans Henning



۲۴۵



۲۴۴

مسجد سلیمان - دو نمونه‌ی که گیرش‌من (۱۹۷۶) از این دوره معرفی کرده‌است، احتمالاً، بخشی از یک آینه بوده‌اند (۲۴۴) و (۲۴۵).



۲۴۶

نهادند - از نهادند (لائودیکای باستانی)، تندیس مفرغی بانویی با تاج ایزیس (۲۴۶) به دست آمده‌است، که به دوره‌ی سلوکی تعلق دارد. او شاخی خمیده و پرمیوه در دست دارد و لباس بلندش، در سمت چپ، از شانه به روی بازو سر خورده‌است (نمایش‌گاه هنر جمهوری فدرال آلمان ۲۰۰۱).

بختیاری - نیم‌تنه‌ی از یک بانو در کوه‌های بختیاری یافت شده‌است، که به نظر می‌رسد سر، دست‌ها، و پایین‌تنه‌ی آن شکسته شده باشد (۲۴۷). برای این اثر تاریخ سده‌ی دوم پ.م یا پس از آن پیش‌نهاد شده‌است. لاورتر^۱ بر این باور است



۲۴۷

که این تندیس از روی نمونه‌ی آفرودیت کالیپیگوس^۲ ساخته شده، که در آن زمان در نیایش‌گاه سیراکوز^۳ نگاه‌داری می‌شده و بعدها از میان رفته‌است. یک کپی از تندیس آفرودیت کالیپیگوس اکنون در موزه‌ی ملی باستان‌شناسی ناپل^۴ موجود است (نمایش‌گاه هنر جمهوری فدرال آلمان ۲۰۰۱).



۲۴۸

مافین‌آباد - یک پیکره‌ی سنگی زنانه از مافین‌آباد ورامین در موزه‌ی ملی ایران نگاه‌داری می‌شود، که سر و پاهای آن شکسته است (۲۴۸). این تندیس بانویی را نشان می‌دهد که گوشه‌ی لباس بلندش را، با دست، بالا نگاه داشته‌است و، احتمالاً، متعلق به دوره‌ی پارتی است.

عمارلو - این تپه به وسیله‌ی حاکمی و از ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۵، در گیلان و دیلمان، کاوش شده‌است (موزه‌ی ایران باستان ۱۳۸۶). تندیس برنزی از این تپه بانویی اسب‌سوار را نشان می‌دهد (۲۴۹).



۲۴۹

¹ Lowther, John

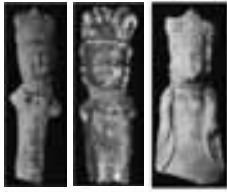
² Aphrodite Kallipygos (Αφροδίτη Καλλίπυγος), literally meaning "Aphrodite (or Venus) of the beautiful buttocks."

³ Temple to Aphrodite Kallipygos at Syracuse, Sicily, Italy

⁴ Museo Archeologico Nazionale di Napoli (Naples National Archaeological Museum)



ساسانی (۲۲۶-۶۵۲ م)



۲۵۲ ۲۵۱ ۲۵۰

شوش- چند پیکره‌ی کوچک گلی از این دوره به دست آمده‌است، که تاج بر سر و شنل بر دوش دارند (۲۵۰-۲۵۲). دو نمونه از عاج نیز در موزه‌ی ملی ایران نگاه‌داری می‌شود، که برهنه، و همانند تندیس‌های دوره‌ی پارسی (۲۵۳ و ۲۵۴) اند. یک نمونه از آثاری که در لوور نگاه‌داری می‌شود نیم‌تنه‌ی زنی



۲۵۶ ۲۵۵ ۲۵۴ ۲۵۳

است که در میان یک آویز دیواری قرار دارد و پستان چپ را به دست گرفته‌است (۲۵۵). نمونه‌ی دیگر نیز سردیس بانویی زیبا با گیسوان آراسته است (۲۵۶) (مارتینز-سیو ۲۰۰۲).



۲۵۷

حاجی‌آباد- چند تندیس زنانه از گچ در این منطقه به دست آمده‌است. دو نمونه از این پیکره‌ها نشان‌دهنده‌ی بانویی برهنه، با گیسوان جمع‌شده بر بالای سر است (۲۵۷) (آذرنوش^۱ ۱۹۹۴). یک تندیس بدون سر، با لباس بلند چین‌دار (۲۵۸)، و یک سردیس با گیسوان موجی‌شکل (۲۵۹) نیز از نیایش‌گاه *آناهیتا* در حاجی‌آباد یافت شده، که ممکن است نشان‌گر خود ایزدبانو *آناهیتا* باشد (نمایش‌گاه هنر جمهوری فدرال آلمان ۲۰۰۱).



۲۶۰ ۲۵۹ ۲۵۸

یک پیکرک استخوانی (۲۶۰) نیز در شهر اسلامی استخر فارس یافت شده‌است؛ شهری که بزرگ‌ترین نیایش‌گاه *آناهیتا* در دوره‌ی ساسانی را داشت و نشان‌دهنده‌ی وابستگی فکری سازنده‌اش به سنت ساخت تندیس‌های باروری در دوره‌ی ساسانی است.

نتیجه‌گیری

برای جوامع شکارورز، دامپرور، و بزرگر پیش از تاریخ، گرسنه ماندن بر اثر خشک‌سالی و قحطی، و نیز نابودی کشت و رمه‌هراسی بزرگ به شمار می‌آمد. نازایی و داشتن فرزندان کم‌شمار نیز، به سبب نیاز خانواده به زور بازوی آن‌ها، کاستی بزرگی بود و می‌توانست باعث تولید محصول اندک یا شکست از دشمنان شود؛ از این رو، نیروهایی که پشتیبان

¹ Azarnoush, Massoud



- باباپیری، جواد. ۱۳۸۴. «گزارش توصیفی نهایی تهیه‌پری» آرشیو اداره‌ی میراث فرهنگی همدان، همدان. بیرونی، ابوریحان. بی‌تا. *اثارالباقیه*. برگردان اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- پاریندر، جنوفری. ۱۳۷۴. *اساطیر آفریقا*. برگردان باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- پورداد، ابراهیم. ۱۳۴۷. *یشت‌ها*، ج ۱. تهران: طهوری.
- توین‌بی، آرنولد. ۱۳۶۲. *تاریخ تمدن*. برگردان یعقوب آژند. تهران: مولی.
- چایلد، گوردون. ۱۳۴۲. *سیر تاریخ*. برگردان احمد بهمنش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاکمی، علی. ۱۳۲۹. *گزارش‌های باستان‌شناسی*، جلد ۱. تهران: بی‌نا.
- _____ . ۱۳۴۹. «گزارش به وزارت فرهنگ و هنر» ۲۰ مهر. مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- دورانت، ویل. ۱۳۳۷. *تاریخ تمدن*، کتاب ۱: *مشرق زمین، گاه‌واره‌ی تمدن*. برگردان مهرداد مهرین. تهران: اقبال.
- دوست‌خواه، جلیل. ۱۳۷۴. *اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی*. تهران: مروارید.
- راشد محصل، محمدتقی. ۱۳۶۶. *گزیده‌های زادسپرم*. تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رجبی، پرویز. ۱۳۸۲. *هزاره‌های گمشده*. تهران: توس.
- روزن‌برگ، دونا. ۱۳۷۸. *اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها*. برگردان عبدالحسین شریفیان. تهران: اساطیر.
- سازمان میراث فرهنگی. ۱۳۷۶. *گزارش‌های باستان‌شناسی*، بخش ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۷۴. *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- شهریاری، کیهان. ۱۳۷۹. *زن در اساطیر ایران و بین‌النهرین*. تهران: فارابی.
- صراف، محمدرحیم. ۱۳۸۴. *مذهب قوم ایلام*. تهران: سمت.
- طاووسی، محمود. ۱۳۶۸. «خویش‌کاری مردمان نسبت به امشاسپندان» *فروهر* ۳۱۷: ۲۵-۴۳.
- فریزر، جیمز جورج. ۱۳۸۲. *شاخه‌ی زرین*. برگردان کاظم فیروزمند. تهران: آگه.
- کار، مهرانگیز. ۱۳۶۵. «نظام حقوقی در ایلام» ۷۵-۹۲ در *نامه‌ی فرهنگ ایران*، دفتر ۲. تهران: بنیاد نیشابور.
- کخ، هاید ماری. ۱۳۷۶. *از زیان داریوش*. برگردان پرویز رجبی. تهران: کارنگ.
- کندری، مهران. ۱۳۷۲. *دین و اسطوره در امریکای وسطا (پیش از کلمب)*. تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گیرشمن، رومن. ۱۳۶۴. *چغازنبیل*. برگردان اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف. ۱۳۷۰. *تاریخ و تمدن ایلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مقدم، محمد. ۱۳۸۰. *جستار درباره‌ی مهر و ناهید*. تهران: هیرمند.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق. ۱۳۸۲. *ایران در پیش از تاریخ*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- موزه‌ی ایران باستان. ۱۳۸۲. *بیکرک‌های سفالین و سردیس‌های گلین ایران باستان*. کاتالوگ نمایش‌گاه. تهران: موزه‌ی ایران باستان.
- موزه‌ی ایران باستان. ۱۳۸۶. *گزیده‌یی از دهه‌زار سال هنر و تمدن ایران*. کاتالوگ نمایش‌گاه. تهران: موزه‌ی ایران باستان.
- ناس، جان بایر. ۱۳۸۲. *تاریخ جامع ادیان*. برگردام علی‌اصغر حکمت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نگهبان، عزت‌الله. ۱۳۷۲. *حفری هفت‌تپه‌ی دشت خوزستان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- . ۱۳۷۶. *مروری بر پنجاه سال باستانشناسی ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- نیبرگ، هنریک ساموئل. ۱۳۵۹. *دین‌های ایران باستان*. برگردان سیفال‌الدین نجم‌آبادی. تهران: مرکز ایرانی مطالعه‌ی فرهنگ‌ها.
- هیئتس، والتر. ۱۳۷۱. *دنیای گم‌شده‌ی ایلام*. برگردان فیروز فیروزنیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هینلز، جان. ۱۳۶۸. *شناخت اساطیر ایران*. برگردان ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- Amiet, Pierre. 1972. "Les Ivoires achéménides de Suse." *Syria* 49(1-2):167-191.
- . 1976. *Les Antiquités du Luristan : Collection David-Weill*. Paris, France: Diffusion de Boccard.
- . 1980. "Antiquités de serpentine." *Iranica Antiqua* 15:155-166.
- Arne, Ture Johnsson. 1945. *Excavations at Shah Tepe, Iran: Reports from the Scientific Expedition to the North-Western Provinces of China under the Leadership of Dr. Sven Hedin*. Stockholm, Sweden: The Sino-Swedish Expedition.
- Azarnoush, Massoud. 1994. *The Sasanian Manor House at Hājīābād, Iran*. Florence, Italy: Le Lettere.
- Boucharlat, Rémy, and Ernie Haerinck. 1994. "Das Ewig-Weibliche: Figurines en os d'époque Parthe de Suse." *Iranica Antiqua* 29:185-199.
- Braidwood, Robert J. 1960. "Seeking the World's First Farmers in Persian Kurdistan: A Full-Scale Investigation of Prehistoric Sites near Kermanshah." *The Illustrated London News* 237:695-697.
- Carter, Elizabeth. 1996. *Excavations at Anshan (Tal-e Malyan): The Middle Elamite Period*. Philadelphia, PA, USA: University Museum of Archaeology and Anthropology, University of Pennsylvania.
- Contenau, George, and Roman Ghirshman. 1935. *Fouilles de Tépé-Giyan près de Néhavand 1931-32*. Paris, France: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Culican, William. 1975. "Syro-Achaemenian, Ampullae." *Iranica Antiqua* 11:100-112.
- Curtis, John. 2000. *Ancient Persia*. London, UK: The British Museum Press.
- Delougaz, Pinhas P., and Helene J. Kantor. 1975. "The 1973-1974 Excavations at Čoqa Miš." Pp. 93-102 in *Proceedings of the 3rd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, 2nd-7th November 1974*, edited by Firouz Bagherzadeh. Tehran, Iran: The Iranian Centre for Archaeological Research.
- Deshayes, J. 1967. "Céramiques peintes de Tureng Tépé." *Iran* 5:123-131.



- Deutschen Bergbau-Museums Bochum. 2004. *Persiens Antike Pracht*, Sonderausstellung des Deutschen Bergbau-Museums Bochum (Special exhibition of the German Mining Museum Bochum), 28 November 2004–29 May 2005. Retrieved 28 November 2008 (<http://www.persiens-antike-pracht.de/>).
- Dollfus, Genevieve. 1974. "Les fouilles à Djaffarabad de 1972 à 1974 : Djaffarabad periodes I et II." *Cahiers de la délégation archéologique française en Iran* 5:11–219.
- Eygun, Guilmine. 1992. "Les Figurines humaines et animales du site néolithique de Ganj Dareh, Iran." *Paléorient* 18(1):109–117.
- Ghirshman, Roman. 1968. "La Déesse nue élamite." *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* 1:11–13.
- . 1976. *Terrasses sacrées de Bard-è Néchandeh et Masjid-i Solaiman*, Vol. 2. Paris, France: E. J. Brill.
- . 1979. *Tombe princière de Ziwiyé et le début de l'art animalier scythe*. Paris, France: E. J. Brill.
- Gimbutas, Marija. 1972. "Pre Hellenic and Pre Indo-European Goddesses and Gods: The Old European Pantheon." Pp. 82–98 in *Acta of the 2nd International Colloquium on Aegean Prehistory: The First Arrival of Indo-European Elements in Greece, 5–11 April 1971, Athens*. Athens, Greece: Ministry of Culture and Sciences, General Directorate of Antiquities.
- Godard, André. 1931. *Les Bronzes du Luristan*. Paris, France: G. Van Oest.
- Hakemi, Ali. 1997. *Shahdad: Archaeological Excavation of a Bronze Age Center in Iran*. Translated and edited by S. M. S. Sajjadi. Rome, Italy: Istituto italiano per il Medio ed Estremo Oriente, Centro scavi e ricerche archeologiche.
- Kunst- und ausstellungshalle der bundesrepublik deutschland. 2001. *7000 Jahre persische Kunst: Meisterwerke aus dem Iranischen Nationalmuseum in Teheran*. Exhibition catalog. Bonn, Germany: Author.
- Lamberg-Karlovsky, Clifford C. 1969. "Excavations at Tepe Yahya." *Iran* 7:184–186.
- Langsdorff, Alexander, and Donald. E. McCown. 1942. *Tall-i-Bakun A: Season of 1932*. Chicago, IL, USA: The University of Chicago Press.
- Levine, Louis D., and Mary M. A. McDonald. 1977. "The Neolithic and Chalcolithic Periods in the Mahidasht." *Iran* 15:39–50.
- Martinez-Seve, Laurianne. 2002. *Les Figurines de Suse: De l'époque néo-élamite à l'époque Sassanide*. Paris, France: Réunion des Musées Nationaux.
- Masuda, Sei-ichi. 1974. "Excavations at Tappeh Sang-e Caxmaq." Pp. 23–33 in *Proceedings of the 2nd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, edited by Firouz Bagherzadeh. Tehran, Iran: The Iranian Centre for Archaeological Research.
- Morales, Vivian Broman. 1990. *Figurines and Other Clay Objects from Sarab and Çayönü*. Chicago, IL, USA: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Negahban, Ezzat O. 1979. "A Brief Report on the Painted Building of Zaghe (Late 7th–Early 6th Millennium BC)." *Paléorient* 5:239–250.
- . 1991. *Excavations at Haft Tepe, Iran*. Philadelphia, PA, USA: University Museum of Archaeology and Anthropology, University of Pennsylvania.
- . 1998. "Suggestions on the Origin and Background of the Marlik Culture." *Iranica Antiqua* 33:43–56.

- Sajjadi, S. M. S., F. Foruzanfar, R. Shirazi, and S. Baghestani. 2003. "Excavations at Shahr-i Sokhta: First Preliminary Report on the Excavations of the Graveyard, 1997–2000." *Iran* 41:21–97.
- Scheil, Jean-Vincent, and Léon Legrain. 1913. *Mémoires de la Délégation en Perse*, Vol. XIV: *Textes élamites-sémitiques*. Paris, France: Ernest Leroux.
- Schmidt, Erich Friedrich. 1933. "The Tepe Hissar Excavations 1931." *The Museum Journal of Philadelphia* 23(4):322–485.
- Smith, Philip E. L. 1990. "Architectural Innovation and Experimentation at Ganj Dareh, Iran." *World Archaeology* 21(3):323–335.
- Spycket, Agnès. 1992. *Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran*, Vol. 52: *Les figurines de Suse*, Vol. I. Paris, France: Gabalda.
- Sumner, William. 1974. "Excavations at Tall-i Malyan, 1971–72." *Iran* 12:155–180.
- Tosi, Maurizio. 1983. *Prehistoric Sistan, I*. Rome, Italy: Istituto italiano per il Medio ed Estremo Oriente, Centro scavi e ricerche archeologiche.
- Voigt, Mary M. 1983. *Hajji Firuz Tepe, Iran: The Neolithic Settlement*. Philadelphia, PA, USA: University Museum of Archaeology and Anthropology, University of Pennsylvania.
- Von der Osten, Hans Henning. 1956. *Die Welt der Perser*. Stuttgart, Germany: Kilpper.

نویسندگان

صدرالدین طاهری

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
sadreddin_tahery@yahoo.com

مدرس دانشگاه هنر اصفهان و عضو هیئت رئیسه‌ی انجمن موزه‌داران ایران.

دکتر محمود طاووسی

استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
m.tavoosi@modares.ac.ir

از وی مقالات و کتاب‌های بسیاری در زمینه‌ی ادبیات ایران و هنر دوران‌های باستانی ایران چاپ شده‌است.